

از آسیب‌های آخرالزمانی تا آرمان‌شهر مهدوی

در گفتمان مهدوی، عصر ظهور تنها زمان اصلاح ساختارهای سیاسی نیست، بلکه دوران «تحولات بنیادین خانواده» نیز هست.



در گفتمان مهدوی، عصر ظهور تنها زمان اصلاح ساختارهای سیاسی نیست، بلکه دوران «تحولات بنیادین خانواده» نیز هست.

به گزارش خبرنگار مهر، خانواده در منظومه فکری اسلام، تنها یک نهاد اجتماعی کوچک نیست، بلکه خاستگاه اصلی تمدن‌سازی و کانون پرورش انسان‌هایی است که قرار است بار سنگین خلیفه الهی را بر دوش کشند. در جهان پرآشوب معاصر که از آن به عنوان «آخرالزمان» یاد می‌شود، این نهاد مقدس بیش از هر زمان دیگری در معرض طوفان‌های سهمگین زلزله، بی‌هویتی و گسست قرار گرفته است. در این میان، «باور مهدویت» و «فرهنگ انتظار» نه صرفاً به عنوان یک عقیده کلامی مربوط به آینده، بلکه به عنوان یک راهبرد کلان تربیتی و یک پناهگاه امن روانی، نقشی بی‌بدیل در حفظ، تحکیم و تعالی خانواده ایفا می‌کند.

برای درک عمیق نقش مهدویت در خانواده، ابتدا باید موقعیت کنونی خانواده را در بستر تاریخ شناخت. پژوهش‌های مبتنی بر روایات اسلامی، دو تصویر کاملاً متفاوت از خانواده را در برابر ما قرار می‌دهند: یکی خانواده در «آخرالزمان» و دیگری خانواده در «عصر ظهور». متون دینی با هشدار بیدارکننده، وضعیت خانواده در دوران پیش از ظهور (آخرالزمان) را وضعیتی بحرانی ترسیم می‌کنند. در این دوران، که ما اکنون در متن آن زندگی می‌کنیم، خانواده کانون تغییرات منفی و تحولات نگران‌کننده است. این تغییرات شامل زلزله در اصل نهاد خانواده، فروپاشی پیوندها، ارزش زدایی از مفاهیم مقدس، تضعیف کارکردهای تربیتی و عاطفی، و جابه‌جایی نقش‌های اصیل خانوادگی است. در این گرداب، که فساد و ناامنی اخلاقی کیان خانه را تهدید می‌کند، بشر بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک «مدل نجات بخش» است.

در نقطه مقابل این تصویر تیره، «عصر ظهور» به عنوان تجلی گاه خانواده تراز الهی قرار دارد. مهدویت نویدبخش بازگشت خانواده به ریل اصلی و فطری آن است. در گفتمان مهدوی، عصر ظهور تنها زمان اصلاح ساختارهای سیاسی نیست، بلکه دوران «تحولات بنیادین خانواده» نیز هست. در آن دوران، با استقرار عدالت و حاکمیت عقلانیت تحت رهبری امام معصوم (ع)، خانواده از آسیب‌های دوران غیبت رها می‌شود. روایات عصر ظهور نشان می‌دهند که در آن جامعه آرمانی، امنیت روانی و اخلاقی چنان بر خانواده‌ها سایه می‌افکند که زنان و دختران در اوج امنیت و کرامت زیست می‌کنند و سطح حکمت و دانایی در خانه‌ها چنان بالا می‌رود که زنان در خانه‌های خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کنند.

بنابراین، نقش باور مهدویت در زمان حال، پل زدن میان این دو وضعیت است. خانواده‌ای که باور مهدوی دارد، تسلیم جبر محیطی آخرالزمان نمی‌شود؛ بلکه با الهام از الگوی آرمانی عصر ظهور، تلاش می‌کند تا «جزیره‌ای از عصر ظهور» را در میان دریای طوفانی آخرالزمان بنا کند. این نگاه، خانواده را از انفعال و ناامیدی خارج کرده و به یک نهاد «فعال» و «منتظر» تبدیل می‌کند که مأموریتش زمینه‌سازی برای آن تحول بزرگ است.

کیمیای محبت و امید: مؤلفه‌های هیجانی و عاطفی در تحکیم خانواده

باور به مهدویت، فراتر از یک رویکرد جامعه‌شناختی، دارای ابعاد عمیق روان‌شناختی و عاطفی است که مستقیماً بر تار و پود روابط اعضای خانواده اثر می‌گذارد. مطالعات نشان می‌دهد که «فرهنگ انتظار» سرشار از مؤلفه‌های هیجانی مثبت است که هر یک به مثابه ستونی برای استحکام بنای خانواده عمل می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها، «امیدواری به آینده» است. در شرایطی که ناامیدی و یأس می‌تواند منجر به افسردگی و سردی روابط همسران شود، باور به وجود امامی زنده که ناظر بر احوال است و آینده‌ای روشن را رقم خواهد زد، نور امید را در دل خانواده روشن نگه می‌دارد. خانواده مهدوی، بن بست ندارد و این روحیه امید، تاب‌آوری اعضا را در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی بالا می‌برد.

مؤلفه کلیدی دیگر، «ارتباط قلبی و محبت به امام» است. وقتی اعضای یک خانواده حول محور محبت به یک وجود مقدس و کامل (امام زمان عج) متحد می‌شوند، این محبت متعالی، بر روابط افقی آن‌ها (رابطه همسران با یکدیگر و با فرزندان) نیز سایه می‌افکند. محبت به امام، قلب را رقیق و مهربان می‌کند و خودخواهی‌ها و منیت‌ها را که عامل اصلی نزاع‌های خانوادگی است، کاهش می‌دهد. خانواده‌ای که عادت دارد برای سلامتی و فرج امامش دست به دعا بردارد و صبح خود را با «دعای عهد» آغاز کند، فضایی آکنده از معنویت و ذکر را تجربه می‌کند. این فضای معنوی، به طور ناخودآگاه مانع از بروز رفتارهای پرخاشگرانه و ناهنجار می‌شود.

علاوه بر این، باور مهدوی حس «عزت مندی» و «کرامت» را در اعضای خانواده تقویت می کند. کسی که خود را «منتظر» و سرباز مصلح کل جهان می داند، برای خود شأن و منزلتی قائل است که اجازه نمی دهد به پستی ها و آلودگی های اخلاقی تن دهد. این «هویت مهدوی»، یک سیر محافظتی قوی برای جوانان و نوجوانان خانواده در برابر تهاجم فرهنگی و آسیب های اجتماعی ایجاد می کند. بنابراین، مهدویت با تزریق امید، محبت، معنویت و عزت نفس، «سلامت روانی» خانواده را تضمین کرده و از فروپاشی عاطفی آن جلوگیری می کند.

لنگرگاه نجات در طوفان بحران ها: کارکرد باورها، ارزش ها و هنجارها

کارایی باور مهدویت تنها در شرایط عادی نیست، بلکه عیار واقعی آن در بحران ها و شدائد (مانند دوران همه گیری کرونا یا بحران های مشابه) مشخص می شود. پژوهش ها نشان داده اند که اندیشه انتظار دارای ظرفیت عظیمی برای مدیریت بحران در خانواده است که در سه ساحت «باورها»، «ارزش ها» و «هنجارها» نمود می یابد.

در ساحت «باورها»، اعتقاد به حضور «عین الله الناظره» (چشم بینای خدا) و نظارت امام بر زندگی، به اعضای خانواده اطمینان قلب می دهد. آن ها می دانند که در سختی ها تنها نیستند و پدری مهربان (الامام الانیس الرفیق) هوای آن ها را دارد. این باور، اضطراب های وجودی و ترس از آینده را که در بحران ها به جان خانواده می افتد و باعث پرخاشگری می شود، مهار می کند. ایمان به اینکه تمام مقدرات تحت اشراف ولیّ خداست، آرامشی ژرف به خانواده می بخشد که روانشناسان از آن به عنوان «ایمنی روانی» یاد می کنند.

در ساحت «ارزش ها»، فرهنگ انتظار مجموعه ای از فضائل اخلاقی را به عنوان «ویژگی های منتظران» به خانواده تزریق می کند. صبر، ایثار، گذشت، و همدلی، از شاخصه های بارز یاران امام زمان است. خانواده ای که خود را در اردوگاه منتظران می بیند، تلاش می کند این ارزش ها را در خود درونی کند. در دوران سختی و بحران، همین ارزش هاست که باعث می شود اعضای خانواده به جای سرزنش یکدیگر، با صبر و ایثار باری از دوش هم بردارند.

و نهایتاً در ساحت «هنجارها و رفتارها»، مهدویت سبک زندگی خانواده را تغییر می دهد. رفتار خانواده مهدوی، «رنگِ خدایی» و «صبغه مهدوی» به خود می گیرد. مناسک جمعی مانند دعای توسل خانوادگی، صدقه دادن برای سلامتی امام، و کمک های مؤمنانه به نیازمندان به نیابت از حضرت، رفتارهایی هستند که همبستگی اعضا را تقویت می کنند. این هنجارها باعث می شود اعضای خانواده از فردگرایی مخربِ مدرن فاصله گرفته و به یک روح جمعی متعالی دست یابند. اتصال قلب فرزندان به حضرت مهدی (عج) در این فرآیند، آن ها را از کج روی ها و ناهنجاری های رفتاری مصون می دارد، زیرا شرم از حضور امام، قوی ترین بازدارنده در برابر گناه است.

در نهایت، می توان دریافت که باور مهدویت و فرهنگ انتظار، یک داروی شفابخش و یک استراتژی جامع برای نجات خانواده در عصر غیبت است. این باور، با ترسیم افق روشن «عصر ظهور» به عنوان الگوی مطلوب، خانواده را از غرق شدن در مرداب آسیب های آخرالزمانی نجات می دهد. مؤلفه های هیجانی آن همچون عشق و امید، پیوندهای عاطفی را مستحکم می سازد و ساختار اعتقادی و ارزشی آن، تاب آوری خانواده را در برابر بحران ها تضمین می کند. خانواده مهدوی، سلول بنیادین «تمدن نوین اسلامی» است؛ خانواده ای که در زمین پرچالش امروز زندگی می کند، اما با آسمانِ آرمان های فردا پیوند خورده است و همین پیوند، راز ماندگاری، نشاط و تعالی آن است.